

دکتر احد فلاح وزیر آباد*

تأثیر تغییرات نرخ ارز در تراز پرداختها آثار مساعد و نامساعد بر روی صادرات و واردات

مقدمه:

بسیاری از اقتصاددانان و تقریباً همه بازرگانان بین المللی، نوسانات مداوم نرخهای برابری را عامل بازدارنده‌ای در گسترش تجارت جهانی بشمار می آورند. از این دیدگاه نظام پایه طلا به لحاظ ثبات نرخهای برابری که ویژگی آن است در مقایسه با نظامهای پولی دیگر از امتیاز مهمی برخوردار می باشد. این امتیاز اما بتدریج در مقابل کاستیهای اساسی تر این نظام اهمیت خود را از دست داد و سرانجام کاملاً تحت الشعاع قرار گرفت. فروپاشی نظام پایه طلا ابتدا بعزت بروز جنگ جهانی اول به وقوع پیوست و کشورهای متخاصم برای تامین مخارج جنگ دست به صدور اسکناسهایی زدند که طبعاً نمی توانست به طلا تبدیل پذیر باشد. بدین صورت لغو تبدیل پذیری ارزها و ممنوعیت خروج طلا که همه جا اعمال شد به معنای پایان

عمر نظام پایه طلا بود.

پس از جنگ و پایان این دوره و سرو سامان گرفتن اوضاع اقتصادی کشورهای جنگ‌زده باردیگر کوشش در جهت احیای این نظام بعمل آمد. اما استقرار مجدد پایه طلا که عملاً در سال ۱۹۲۵ تحقق یافته بود دیری نپایید و در سال ۱۹۳۱ در گرماگرم بحران بزرگ باردیگر از هم پاشید. سالهای دهه ۱۹۳۰ سالهای بحرانی جهان سرمایه داری، و رقابت فلج کننده کشورهای مختلف برای افزایش صادرات و کاهش واردات بود که کاهش واردات مآلاً در تنزل شدید تجارت جهانی اثر می گذاشت. پس از جنگ دوم جهانی نیز هیچ یک از کشورها بطور جدی خواستار بازگشت نظام پایه طلا نبودند و هر چند که بعدها برخی از محافل بدلیل خاص از بازگشت به این نظام جانبداری می کردند.

علی رغم امتیاز مهم ثبات نرخهای برابری، درک علل نامقبولی نظام طلا دشوار نیست. ریشه اصلی مسئله در این است که در نظام مورد بحث، اقتصاد داخلی این نوع کشورها در معرض فشارها و ضرباتی قرار می گرفت که از بخش خارجی و بطور مشخص از عدم توازن در تراز پرداختها نشأت می یافت. حقیقت این است که در شرایط فعلی اقتصادهای سرمایه داری، اجازه نمی دهند راه حل های خودکار نظام پایه طلا برای رفع کسری تراز پرداختها بر اقتصاد داخلی آنها تحمیل شود. بنابراین اینگونه راه حل ها قابل قبول و فاجعه آمیز بنظر می رسند. از آن گذشته در گرایش اقتصادهای سرمایه داری پیشرفته به رکود و ضرورت تحریک کم و بیش بصورت تقاضای موثر از طریق اجرای سیاست های انبساطی واقف هستیم و این را هم می دانیم که حجم پول در گردش از مهمترین ابزارهای این سیاست هاست. اهمی که بیرومند است و بمدد آن دولت ها از گسترش و تعمیق بحرانها جلوگیری می نمایند و یا از فشار

تورم می‌کاهند و از سوی دیگر انتظار اینکه دولتها از این وسیله کارساز دست بردارند و آن را در معرض نوسانات ناشی از تغییر ترازپرداختها قرار دهند پندارگرانی محض خواهد بود. سهولت می‌توان دریافت که هرگاه آغاز یک دوره رکود در اقتصاد داخلی با کسری ترازپرداختها "کاهش حجم پول در گردش" مواجه شود چه عواقبی به دنبال خواهد داشت. حتی در شرایط دیگر انعطاف پذیری نظام پایه پلان نیز در دسرآفرین خواهد بود. بنابراین اجازه بدهید از بعد تجارت بین المللی، نظام پولی را در بحث اول مورد مطالعه قرار دهیم.

۱ - نظام پولی بین المللی:

مدتها پیش از فروپاشی نظام "برتن وودز"، هم در محافل آکادمیک و هم از جانب سیاست‌گذاران پولی در کشورهای مختلف برای تغییر یا اصلاح این نظام پیشنهادهایی وجود داشت. برای مثال بازگشت به نظام پایه طلا که از جانب دوگل و مشاور اقتصادی او آقای ژاک رونف ارائه گردید یک نمونه بارز است. البته این پیشنهاد طرفدارن چندانی نیافت و کار به جایی رسید که در بن بست قرار گرفت. اما برخی از اقتصاددانان محافظه کار و در راس آنها آقای فرید من و شرکاء چاره مشکلات نظام پولی جهان را در آزادی عمل نیروهای بازار دانستند و استقرار نظام ارزهای شناور را پیشنهاد نمودند، بویژه از جانب بازرگانان و سیاست‌گذاران پولی این نظام مورد انتقاد قرار گرفت و عملی هم نگردید. پیشنهاد مهم دیگری نیز مطرح شد که در چارچوب نظم پولی حاکم، موجب دگرگونی عمیق در مناسبات پولی بین المللی گردید. این پیشنهاد که عبارت بود از انتشار یک پول کاغذی بین المللی توسط صندوق بین المللی پول، کم و بیش به همان شیوه‌ای که بانکهای مرکزی کشورهای عضو پولهای ملی خود را منتشر می‌کنند به مرحله اجرا گذاشته شد و پولهای صادر شده به نام "حق برداشت

ویژه " (۱) نامیده شد که با نام اختصاری " SDR " معروف گشت .

حق برداشت ویژه نخستین بار در سال ۱۹۷۰ منتشر شد و هدف آن وسیله‌ای جهت افزایش نقدینگی جهانی ، هنگام ضرورت اعلام گشت . این پول بوسیله صندوق بین‌المللی انتشار یافت که با توافق اعضای صندوق بین‌المللی پول بین سالهای (۱۹۸۱ - ۱۹۷۰) انتشار و در شش نوبت و آخرین نوبت انتشار در ژانویه سال ۱۹۸۱ بمورد اجرا گذاشته شد که جمعا به ۲۱/۴ میلیارد " SDR " بالغ گردید و از آن پس پول جدیدی منتشر نشد .

با این حال تا مارس ۱۹۸۸ این پول بشرح جدول زیر از طریق برابری ثابت با دلار ، با ارزهای دیگر مرتبط گردید .

ارزش حق برداشت ویژه به دلار آمریکا در سالهای منتخب (۱۹۸۸ - ۱۹۷۱)

سال	۱۹۷۱	۱۹۷۶	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۵	۱۹۸۷	۱۹۸۸
نرخ SDR به دلار آمریکا	۱/۰۰	۱/۱۶	۱/۳۱	۱/۲۰	۰/۹۸	۱/۲۶	۱/۳۹

در ابتدای امر ارزش SDR معادل یک دلار شد و پس از تبدیل پذیری دلار به طلا و تحولات بعدی نظام پولی بین‌المللی نحوه تعیین ارزش SDR نیز تغییر کرد و محاسبه آن بر مبنای مجموعه‌ای شامل ۱۶ پول مختلف انجام گرفت . در حال حاضر ارزش SDR بر مبنای ارزش ۵ ارز معتبر بین‌المللی تعیین می‌گردد و نوسانات آن بخوبی مشهود است .

این ارزها عبارتند از :

۱ - دلار آمریکا	باوزنه	۴۲٪
۲ - مارک آلمان	باوزنه	۱۹٪
۳ - ین ژاپن	باوزنه	۱۵٪
۴ - فرانک فرانسه	باوزنه	۱۲٪
۵ - پوند انگلستان	باوزنه	۱۲٪

 جمع

 ۱۰۰٪

در فوریه سال ۱۹۸۸ مجموع ذخایر رسمی جهان (شامل ارزهای ذخیره طلا و SDR) جمعا معادل ۵۵۱/۹۷۲ میلیارد SDR بوده است. اگر ذخائر طلا را به قیمت جاری محاسبه نمایم، مجموع ذخائر رسمی به ۸۴۱/۴۶۵ میلیارد SDR بالغ می گردد که جمع SDR های صادره فقط ۲/۷٪ آنرا تشکیل خواهد داد، در هر دو صورت اهمیت حق برداشت ویژه در ذخائر رسمی جهان بسیار ناچیز خواهد بود. برخی بر این باورند که در شرایط کنونی اساسا سخن گفتن از یک نظام بین المللی پولی خطاست، که تنها می توان از مجموعه ای از مقررات و توافقیهای ناپایدار و موضعی سخن گفت. بعضی هم معتقدند که آشفتگی حاکم بر بازار بین المللی پول مبین مرحله گذاری است و به زودی جای به نظام منسجم و همگون تری خواهد داد.

در حقیقت نظام کنونی مجموعه ای است از چند نظام مختلف که در بسیاری از کشورهای صنعتی پیشرفته و نیز معدودی از کشورهای در حال توسعه نظام ارزهای شناور در گونه های مختلف وجود دارد به هر تقدیر نظام پولی بین المللی در نظم کنونی چنین قابل رویت است که ارزیابیهای انتقاد آمیز ناشی از تعصبات و تمایلات ذهنی گوناگون است. در برخی از کشورها از جمله ایالات متحده، بریتانیا، ژاپن، کانادا، فیلیپین، بولیوی و چند کشور دیگر

نرخهای برابری آزادانه و بر اثر عرضه و تقاضا این پولها در بازار پولی " بورس جهانی " تعیین می گردد. هرچند که در این موارد نیز بانکهای مرکزی کشورهای یاد شده گهگاه با مداخله در بازار و خرید و فروش ارز، نوسانات بازار را تا حدودی کنترل می کنند. در بعضی از کشورها نیز مداخلات دولتها در بازار نظام یافته هم شدید تر است و نوسانات نرخهای برابری در محدوده شناور گذاشته می شوند و هرگاه نرخ برابری از مرزهای این محدوده فراتر رود مقامات باتمام قوا وارد بازار می شوند و با خرید و فروش ارز و یا با تعیین ضوابط و مقررات نوسانات ارز را مهار می نمایند. از جمله این کشورها آرژانتین، پاکستان، اسپانیا، ترکیه، هندوستان و یوگسلاوی سابق است.

۲ - نظام ارزی شناور :

در نقطه مقابل پایه طلا به لحاظ ثبات نرخهای برابری، نظام ارزهای شناور قرار دارد. گرچه شکل خالص آن بندرت مورد استفاده قرار می گیرد. اما گونه های مشابه و ناخالص این نظام به کرات تجربه شده است. و در هر حال شناخت ویژگیهای عمده آن جای بحث و بررسی بیشتر است. نرخهای برابری نه تابع ارتباط پولهای مختلف با طلا هستند و نه براساس توافق و قرارداد میان عرضه و تقاضای پولهای مختلف. آنچه که حائز اهمیت می باشد در نظام ارزهای شناور این است که هرگاه تقاضا برای پول کشوری بیشتر از عرضه آن افزایش یابد قیمت آن افزایش خواهد یافت به بیان دیگر تعیین نرخهای برابری در این نظام مانند تعیین قیمت هر کالای دیگر در بازارهای آزاد است به همین دلیل هرگاه نیروهای بازار به حال خود رها شوند قاعدتا نباید تراز پرداختها با کسری یا مازاد روبرو شود مگر برای دوره های کوتاه مدت و زودگذر. لازم به یادآوری است که شرایط بازار آزاد در همه موارد مصداق ندارد و کاملاً محتمل است

که در برخی از حالات کاهش ارزش پول یک کشور نه تنها کسری تراز پرداختها را برطرف نمی سازد بلکه به تشدید آن هم منجر می گردد. واکنش صادرات و واردات یک کشور به تغییرات ارزش پول آن تابع شرایطی است که در تشریح آن از حوصله این مقاله خارج است. اما بطور کلی این واکنش صادرات و واردات به درجه کشش پذیری کالاهای یاد شده آن کشور بستگی دارد. به هردلیل کشش قیمتی کالاهای صادراتی و وارداتی اگر تنزل یابد کارآئی نیز ناچیز خواهد بود و بطور مشخص می توان اذعان داشت که هرگاه کشش قیمتی تقاضا برای کالاهای وارداتی و صادراتی مجموعاً کمتر از یک باشد عدم تعادل در تراز پرداختها از طریق کاهش نرخ برابری برطرف نخواهد شد. بنابراین تردیدی نیست که کاهش ارزش پول یک کشور تقریباً همواره از کمیت واردات آن کشور خواهد کاست و به کمیت صادرات آن خواهد افزود.

اما به هیچ وجه مسلم نیست که ارزش پولی واردات همواره کاهش یافته و یا ارزش پولی صادرات در همه حالات افزایش یابد تنها با اطلاع از شرایط ویژه هر کشور و بطور مشخص از خصلت کالاهای وارداتی و صادراتی آن می توان در این رابطه اظهار نظر کرد. به همین دلیل است که احکام کلی طرفداران نظام ارزهای شناور باید با دقت و تردید تعبیر شوند بویژه برای کشورهای در حال توسعه که تقاضا برای کالاهای صادراتی آنها نوعاً کشش ناپذیر بوده و واردات آنها نیز خواه بدلیل ضرورت درپوش و توسعه اقتصادی و خواه بدلیل خصلت تجملی شدنشان واکنش چشم گیری در قبال تغییرات متعارف نرخ ارز نشان نمی دهند. بطور مشخص با پیدایش اولین نشانه های عدم تعادل و چشم انداز کاهش نرخ پول یک کشور موج فروش آن پول از طریق سفته بازان ارز شدت می گیرد و در نتیجه سقوط آن را تسریع و تشدید می نماید. خلاصه اینکه کارآئی نوسانات نرخ برابری ارز در تعدیل کسری تراز پرداختها بویژه

در اینگونه کشورها به مراتب کمتر از آن است که از بخشهای نظری عام استنتاج می شود.

۳ - علل و انگیزه های سیاسی :

برای مثال بسیاری از مستعمرات سابق فرانسه که هم اکنون نیز رابطه تجاری گسترده ای با این کشور دارند پول خود را نسبت به فرانک فرانسه تثبیت نموده اند و بدین ترتیب نوسانات نرخ برابری را تا آنجا که به شریک اصلی تجاریشان مربوط می شود خنثی ساخته اند. از جمله این کشورها می توان چاد، کامرون، گابن، سنگال و چند کشور دیگر را در این راستا بشمار آورد. ونزوئلا، عراق، مصر، عمان، السالوادور، همچنین سوریه، یمن جنوبی، ویتنام و غیره نرخ برابری پول خود را با دلار آمریکا تثبیت می نمایند و برخی دیگر از کشورها نیز ارزش پول خود را نسبت به ترکیب های دیگری از چند ارز که ظاهراً بیش از ترکیب های ارزهای پنجگانه SDR که بحث آن در صفحات قبلی گذشت مناسب تشخیص داده و تثبیت نموده اند. ایران، اردن، لیبی و برمه و چند کشور دیگر نیز نرخ پول خود را نسبت به حق برداشت ویژه " SDR " پیوند داده اند. بالاخره در این مقوله باید از کشورهای عضو بازار مشترک اروپا نیز نام برد که در نظام پولی اروپا متشکل شده و نرخ برابری ارزهای خود را با واحد رایج اروپایی یا " اکو " مشخص می نمایند.

۴ - نظام پولی اروپایی و دلار آمریکایی :

نظام پولی اروپایی با نام اختصاری " EMS " یا European Monetary System برای تسهیل و گسترش داد و ستد میان کشورهای عضو بازار مشترک در سال ۱۹۷۹ بوجود آمد و هدف عمده آن این است که نرخ برابری در میان ارزها ثابت باشد و با تشکیل محافل و مجامع بتوانند انعطاف پذیری آن را عملی سازند. در کنار " EMS " واحد رایجی را بانام اختصاری

"ECU" یا European Currency Unit که بوسیله این نظام ایجاد گردید که در حقیقت ترکیبی از ارزهای کشورهای عضو است، که هرکدام با وزنه ای متفاوت در تعیین ارزش آن دخالت دارند و در مقابل SDR قد علم کرده و بعنوان اصطلاح "اکو" ارز ذخیره برای دلار بشمار می رود در این بحث یک نکته شایان توجه است و آن اینکه آیا دلار پول جهانی است؟ بنابراین برخی از کشورها می کوشند تا ارزهای معتبر دیگری را نیز در کنار طلا و حق برداشت ویژه نگه دارند تا از خطرات احتمالی بکاهند. بدین ترتیب طی سالهای اخیر شاهد ظهور چند ارز ذخیره جدید از جمله دلار، مارک و ین ژاپن بوده ایم که بتدریج از اهمیت خاصی برخوردار می باشند. علی رغم اعتبار روز افزون این ارزها هیچکدام تاکنون نتوانسته اند به عنوان پول جهانی دلار را از آریکه قدرت به زیر کشند. حقیقت این است که اگر در نظام کنونی هم بتوان پولی را صرف نظر از طلا پول جهانی نامید آن پول جز دلار نمی تواند باشد. بدین حال دلار یک وسیله مبادله رایج بین المللی است در بسیاری از موارد حتی هنگامی که ایالات متحده یک طرف معامله هم نیست دلار نقش وسیله مبادله رایج را ایفا می کند. براساس یک تخمین در حالی که سهم ایالات متحده در تجارت جهانی از ۱۰٪ تجاوز نمی کند در حدود $\frac{1}{4}$ معاملات بین المللی با دلار انجام می شود. دلار واحد محاسبه جهانی هم هست بنابراین قیمت بسیاری از کالاها در بازار جهانی براساس دلار تعیین و اعلام می شود. حتی هنگامی که کالاهای یاد شده اساساً ربطی هم به ایالات متحده نداشته باشند. نفت بهترین مثال در این مورد است، هر چند که بهیچوجه تنها نمونه آن نیست. نه تنها هنگامی که ابوظبی به فرانسه نفت می فروشد، بلکه نفت شوروی به ژاپن نیز براساس دلار خرید و فروش و قیمت گذاری می شود. لازم به یاد آوریست که البته همه کالاهایی که در بازار جهانی به دلار قیمت گذاری می شوند به وسیله دلار خرید و فروش

نمی‌شوند بلکه در بسیاری از موارد دلار صرفاً به عنوان واحد محاسبه مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حالیکه وسیله مبادله ارز دیگری است.

با این همه شکی نیست که ستاره دلار رو به افول خواهد گذاشت. اما آیا این پول با افول خود و با طلوع پول ملی دیگری بعنوان پول جهانی دنبال خواهد شد؟ آیا می‌توان در آینده نزدیک به رونق بازار SDR امید داشت؟ یا اساساً دوران جولان پولهای ملی در عرصه جهانی در واردات و صادرات به سر آمده است؟ و سوالات بیشماری در این راستا وجود دارد که پاسخ به این سوالات همچنان که می‌دانیم آسان نیست. تنها نکته مسلم این است که با توجه به شرایط تراز پرداختها ایالات متحده طی چند سال گذشته حفظ موقعیت کنونی دلار سخت بعید می‌نماید. چنانکه طی دو دهه گذشته تراز پرداختهای آن کشور تقریباً همه ساله با کسری مواجه بوده است. این کسری در سالهای اخیر ابعاد گسترده‌ای یافته و خروج عظیمی از دلار را موجب گشته است و مناقشات فی مابین ژاپن و آمریکا هر روز گسترده‌تر می‌گردد و قس علیهذا.

از جمله مهمترین علل جهانی بودن دلار می‌توان گرانی نسبی آنرا برشمرد که خود زائیده عوامل مختلفی است که این عوامل امروز کسری شدید و مزمنی را بر بودجه دولت امریکا باقی گذاشته است که با بالا گذاشتن نرخ بهره جهت جذاب ساختن قرضه‌های دولتی به بالا آمدن ارزش برابری دلار کمک کند. در همین راستا برخی از ناظران براین باورند که بازرگانی خارجی و تجارت بین‌المللی امریکا به مثابه خماری پس از مستی و بطور مشخص حاصل سوءاستفاده طی سالیان متعددی بوده است و نیز برخورداری از موقعیت ارزهای ذخیره برای مدت طولانی با فرصت‌های فوق‌العاده جهت گسترش نفوذ سیاسی، نظامی و اقتصادی همراه با ذخیره سازی دلار در بانکهای اروپا، گرانی مصنوعی دلار را به جهان به ارمغان

می آورد.

۵ - نقش ذخائر ارزی در تسهیل مبادلات بین المللی :

در بهار سال ۱۹۸۸ مجموع ذخائر بین المللی شامل طلا، ذخائر ارزی و حق برداشت ویژه به بیش از هزار و یکصد میلیارد دلار رسیده بود که در مجموع نقش ذخائر ارزی بمثابة نقش پس انداز یک خانواده در گذران عادی زندگی آن تشبیه گردیده است. پس انداز مداوم، تداوم روال عادی مخارج را حتی هنگامیکه موقتا درآمد کاهش می یابد ممکن می سازد. ذخائر ارزی نیز به کشورهای مبتلا به کسری تراز پرداختها اجازه می دهد که علی رغم فزونی پرداختها بر دریافتهای خارجی، موقتا روال سابق داد و ستد را ادامه دهند. وجود پس انداز از کاهش سطح زندگی به دلیل تنزل موقتی و درآمد جلوگیری می کند. بدین ترتیب ذخائر ارزی تداوم خریدهای خارجی را جهت جلوگیری از کاهش ناگهانی سطح مصرف، کاهش میزان سرمایه گذاری و یا افزایش قیمتهای داخلی مقدور می سازد.

۶ - تاثیر تغییرات نرخ ارز در توازن پرداختها :

بدنبال تجربیات چندی که کشورهای تولید کننده مواد اولیه از سال ۱۹۳۰ به عمل آورده بودند با توسل به کاهش نرخ ارز و یا تضعیف نمی توانستند کسری تراز پرداختهای خود را برطرف سازند و یا بهبود بخشند. با توجه به شرایط تاثیر تغییر نرخ ارز کوشش نمودند که معلوم نمایند در چه مواردی کاهش نرخ ارز تراز پرداختهای جاری و سرانجام تراز بازرگانی را بهبود نمی بخشد.

امروزه به علت گسترش روابط بازرگانی و تجاری، بررسی روابط مالی بین یک کشور و سایر کشورها (دنیای خارج) اهمیت فراوانی در تراز پرداختها دارد. این روابط در

چارچوب حساب دریافتها و پرداختهای ارزی کشور (حساب تراز پرداختها) مشخص و معین می‌گردد. به این معنا که جریانات غیرمالی ناشی از دادوستدهای بازرگانی در حساب جاری ترازپرداختها و جریانات ناشی از نقل و انتقالات سرمایه‌ای یا استقراض، در حساب سرمایه ترازپرداختها مورد بررسی قرار می‌گیرند. چنانکه با کنار هم قراردادن جداول ترازپرداختهای کشورهای مختلف می‌توان یک نوع سیستم جدید ایجاد نمود که قادر به ارائه تصویر کاملی از روابط مالی فی‌مابین کشورها باشد. براساس این سیستم می‌توان نقل و انتقالات وجوه را بین کشورهای دارای مازاد یا کسری به دقت مورد بررسی و کنترل قرار داد. به منظور بررسی بیشتر تأثیرات اقتصادی و بهبود روابط تجاری بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای پیشرفته به عنوان یکی از اهداف مورد نظر ITO (۲) و نیز GATT (۳) را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

اگر به پیشینه سازمانهای بین‌المللی یاد شده نظری بیفکنیم ملاحظه می‌شود که پس از جنگ جهانی اول مشکلات اقتصادی کشورهای بزرگ باعث گردید که با تشکیل کنفرانسهای بین‌المللی متعدد و به منظور آزادی مبادلات بین‌المللی تلاش بیشتری نمایند و هدف این کنفرانسها برطرف کردن موانع گمرکی و سیاستهای حمایتی فرا راه رشد آزادانه تجارت بین‌المللی بود. ولی بعزت بحران اقتصادی سالهای (۱۹۳۳ - ۱۳۲۹) کشورهای شرکت‌کننده در این کنفرانسها قادر به انجام تعهدات خود نشدند و دوباره حمایت از تولیدات و تحدیدات تجاری را در پیش گرفتند. این کنفرانسها به منظور پایه‌گذاری یک سیستم پولی قابل قبول بین‌المللی در شرایطی تشکیل می‌شد که بسیاری از کشورها با مشکلات اقتصادی سختی روبرو بودند. لذا هر کشوری بنا بر نیازهای خود سیاستهای حمایتی را در برنامه ریزی‌های

اقتصادش قرار می داد. پس از این کنفرانسها بود که در سال ۱۹۴۴ سیستم پولی برتن وودز پایه گذاری و در واقع دلار، ارز حاکم بر سیاستهای پولی جهان گردید. از سوی دیگر تدوین منشور بازرگانی بین المللی که شالوده آن در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل ریخته شد و با اعتراض همه جانبه نمایندگان کشورهای در حال توسعه مواجه گردید مبین این مسئله بود که هدف اصلی از تاسیس سازمانی به نام سازمان بازرگانی بین المللی توسعه مبادلات بین المللی براساس کاهش و یا حذف کامل موانع تجاری به ویژه میان کشورهای صنعتی بوده است. با این منشور موافقت نامه تعرفه و تجارت بوجود آمد و بنام "GATT" مشهور گردید، که متأسفانه این موافقت نامه ها از آغاز تفاوت های عمیق اقتصادی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را نادیده گرفته بود.

بدین ترتیب علت پیدایش "انکتاد" (۴) را می توان در روند تحولات بازرگانی بین المللی دانست که به نفع ملل غنی بود. از یک طرف مذاکرات سیستم "GATT" موجبات افزایش مبادلات و برقراری تعرفه گمرکی نسبت به کالاهای کشورهای عضو را فراهم کرده و از طرف دیگر به علت کاهش قیمت مواد اولیه و افزایش قیمت کالاهای وارداتی کشورهای در حال توسعه (که $\frac{3}{4}$ جمعیت جهان را در بر گرفته) این کشورها از تجارت جهانی متضرر گردیدند. راه حل های ارائه شده در این کنفرانسها این بود که اولاً به منظور افزایش درآمد ارزی کشورهای در حال توسعه قیمت صادراتی مواد اولیه (که ۹۰٪ از کل صادرات آنها را تشکیل می داد) تثبیت شود، و حجم صادرات اینگونه کالاها افزایش یابد. ثانياً میزان صادرات کالاهای ساخته شده و نیمه ساخته این کشورها به کشورهای پیشرفته افزایش یابد. و بالاخره کمک های مالی و فنی بین المللی به ملل در حال توسعه انجام گیرد و شرایط اعطاء کمک ها

به نفع کشورهای در حال توسعه تعدیل گردد. بدین وسیله نوسانات کوتاه مدت قیمت ها و درآمد صادراتی از مواد اولیه خنثی و از بروز مشکلات مالی بلند مدت جلوگیری شود. و همچنین توصیه شد که ۱٪ از درآمد ملی کشورهای پیشرفته صنعتی به صورت کمک های مالی بلاعوض و همکاریهای فنی و یا سرمایه گذاری در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار گیرد. تا این عمل منجر به افزایش درآمد ملی این کشورها به میزان ۱۰٪ و افزایش سرمایه گذاری تا میزان ۱۰۰٪ گردد.

در خلال سالهای ۱۹۸۲ - ۱۹۸۱ بحران اقتصادی عمیقی بر کشورهای در حال توسعه سایه افکند به گونه ای که درآمد سرانه بسیاری از این کشورها کاهش یافت. در پاره ای از این کشورها رشد اقتصادی متوقف و در برخی از آنها رشد منفی پدیدار شد. کاهش بهای مواد اولیه صادراتی که از اوایل دهه ۱۹۸۰ آغاز شده بود به مرز ۳۰٪ رسید. تنها در خلال دو سال مزبور درآمد صادراتی کشورهای در حال توسعه تا حدود ۲۱ میلیارد دلار کاهش یافت بهای واقعی این کالاها حتی از سطح قیمتها طی دوران بحران بزرگ نیز پایین تر آمد. بر اثر این تأثیرات تحولات سطح تورم کشورهای پیشرفته تا میزان ^۳ کاهش یافت. از طرف دیگر وامهای خارجی کشورهای در حال توسعه به رقم نجومی ۶۳۰ میلیارد دلار در پایان سال ۱۹۸۲ بالغ گردید که بازپرداخت سالانه ای برابر با ۱۳۰ میلیارد دلار را بر دوش آنها تحمیل کرد. چنین می نماید که اثرات وجودی "انکتاد" و "گات" بر کشورهای در حال توسعه بسیار ناچیز است. ولی توفیق اجلاسیه های انکتاد در شناخت مشکلات اقتصادی این کشورها قابل انکار نیست. در شرایط موجود رابطه مبادله به زیان کشورهای جهان سوم بوده و درآمد صادراتی آنها نسبت به گذشته مستمرا کاهش می یابد. از اینرو کسری بازرگانی قابل توجه (کسری

ترازپرداختها) و بدهیهای خارجی زیاد دامنگیر این کشورها می باشد و سازمانهای بین المللی به عنوان تجارت خارجی نتوانسته است به نحوی موثر به یاری کشورهای جهان سوم برخیزد زیرا تصمیمات مفید انکنتاد و گات هرگز توسط کشورهای پیشرفته به اجرا در نیامده است. گویا کشورهای در حال توسعه باید سازمانهای مستقل اقتصادی و بازرگانی ایجاد کنند و راهی بجز توسعه همکاریهای بازرگانی میان خود ندارند.

۷ - مکانیزم و سیاستهای بازار ارز و اثرات آن :

بازار ارز عبارت است از چارچوب سازمانی معینی است که در آن افراد، موسسات و بانکها به کار خرید و فروش پولهای خارجی یا ارز اشتغال دارند. این بازار برای معامله هر نوع ارز مثلا دلار، مارک، ین، فرانک و غیره آماده است. معاملات ارزی به همان شکلی که در بازار ارز نیویورک روی دلار در قبال سایر پولهای خارجی انجام می شود در سایر مراکز پولی نیز مثل لندن، زوریخ، توکیو و پاریس چنین معاملاتی در جریان است. این مراکز پولی معمولاً از طریق شبکه های تلفنی یا تلکس بین المللی با یکدیگر در ارتباط دائم هستند. بنابراین تجارت داخلی و تجارت خارجی (پرداخت و یا دریافت) مستلزم تبدیل پول ملی به پولهای خارجی و برعکس آن در این بازارهاست.

از آنجائیکه نرخ ارز معمولاً در خلال زمان نوسان دارد، کسی که می بایستی پولی بصورت ارز در آینده دریافت و یا پرداخت نماید ممکن است مجبور شود در قبال پول ملی بابت ادای دین خود مبلغی بیشتر و یا بابت مطالبات خود مبلغی کمتر از آنچه که پیش بینی کرده است پرداخت و یا دریافت نماید که با اصطلاح فنی فروش، تامین و یا "Heding" نامیده می شود. این ریسک ناشی از نوسان نرخ ارز از طریق فروش، تامین و جبران می شود. این امر معمولاً

متضمن توافقی است که امروزه برای خرید و فروش مقدار معینی از ارز بعمل می آید تا پس از انقضای مدت معین و یا نرخ مشخصی که امروزه روی آن توافق می شود و به آن نرخ آتی ارز می گویند معامله صورت می گیرد. برای روشن شدن مطلب به ذکر مثالی اکتفا می کنیم:

فرض کنید که یک موسسه تجاری کشور الف ۱۰۰۰ پوند به صادر کننده کشور ب بدهکار باشد که در سه ماه قابل پرداخت است، به نرخ فعلی ارز اگر قبول کنیم که یک پوند مساوی ۲ دلار و ۳۰ سنت ($2/30 = 1$ پوند) باشد بدهی موسسه تجاری کشور الف معادل ۲۳۰۰ دلار است. اگر نرخ نقد در سه ماه به $2/40$ (۲ دلار و ۴۰ سنت) برسد، موسسه تجاری کشور الف می بایستی معادل ۲۴۰۰ دلار یعنی یک صد دلار بیشتر بپردازد. ولی اگر نرخ آتی سرمایه $2/31$ بود این موسسه می توانست امروز هزار پوند به نرخ هر پوند $2/31$ دلار جهت تحویل در سه ماه خریداری کند و از این راه از هر گونه ریسک آتی ارز محفوظ بماند. بنابراین بعد از سه ماه که هنگام تحویل پرداخت فرا می رسد موسسه مذکور برای بدست آوردن هزار پوند به ۲۳۱۰ دلار نیاز خواهد داشت، بدون توجه به اینکه نرخ نقدی ارز در آن زمان چه می باشد.

۸ - سیاست کنترل ارزشها:

از آنجا که کنترل ارزی یکی از موثرترین سیاستها برای تراز پرداختها به حساب می آید، در اجرای سیاست کنترل ارز مقررات گوناگونی از سوی دولت وقت در مورد مبادلات ارزی (واردکنندگان و صادرکنندگان) وجود دارد و وضع و اجرا می گردد. به این نحو دولت در بازار ارز دخالت نموده و جریان مبادلات ارزی را تنظیم و هدایت می نماید. معمولاً این مسئولیت به اداره کنترل ارز که به این منظور تاسیس می شود واگذار می گردد.

زمانی که نیروهای عرضه و تقاضای ارز در بازار مبادلات ارزی آزادانه عمل می‌کند ممکن است یک سری مشکلات اساسی برای اقتصاد ملی به بار آورد از این رو دخالت دولت در بازار ارز به کنترل ارز منتج می‌گردد. برای اجرای این سیاست در وهله نخست همه صادرکنندگان موظفند درآمدهای ارزی خود را به خزانه دولت بپردازند و در عوض پول رایج ملی دریافت دارند. قاعدتا ارز جمع آوری شده از کانال دیگر بین واردکنندگان کالاهای مختلف توزیع می‌شود. علی‌الاصول برای واردات کالاهای اساسی مثل مواد خام مورد نیاز صنایع، ماشین آلات، لوازم یدکی و نظایر آن برای سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی کشور دسترسی به ارز ضرورت دارد. عموماً از این طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز در برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور سیاست کنترل ارز را به مورد اجرا در می‌آورد. در سیاست کنترل ارزی تمام جوانب و پیش‌بینی‌های لازم برای تخصیص ارز مورد توجه قرار می‌گیرد. بنحوی که درآمد محدود ارزی فقط برای مقاصد فوری و اساسی استفاده می‌شود. در این راستا جهت تخصیص ارز طرحی برای تعیین اولویت تنظیم می‌گردد و برطبق آن به صنایعی که از نظر مقامات ارزی دارای اولویت بالا هستند ارز داده می‌شود. قاعدتا برای هریک از صنایع بطور جداگانه سهمیه ارزی تعیین شده و برای اطمینان به اینکه واردکنندگان دقیقاً معادل میزان ارز تخصیصی مبادرت به ورود کالاهای ضروری می‌نمایند مراقبت لازم از سوی مقامات کنترل ارز صورت می‌گیرد.

در اجرای این سیاست کنترل ارز روشهای گوناگون (مستقیم و یا غیرمستقیم) وجود دارد و بعنوان ابزاری برای اعمال سیاست حمایت و اصلاح تراز پرداختها و هدفهای گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرد. عموماً در کشورهای جهان سوم و یا در حال توسعه که با مشکل

تراز پرداختها مواجه هستند برای چاره جوئی به کنترل ارز رو می آورند و یا برای اصلاح وضع تراز پرداختها اینگونه کشورها ناچار به کاهش واردات می گردند و سیاست های کنترل ارزی بطور موثر بر روی واردات اثر گذاشته و باعث تعدیل کسری تراز پرداختها می گردد .

مکانیزم دیگری که برای کنترل ارز توسط تعداد کثیری از کشورهای جهان به اجرا در می آید سیستم چند نرخى ارز است . دولت برای کالاهای مختلف وارداتی و صادراتی نرخ های متفاوت ارزی قائل می شود . از طریق دولت برای برخی از کالاها نرخ بالای ارزی اعلام می شود . یعنی قیمت بالائی برای پول خارجی بر حسب پول ملی قائل است . و برای دسته دیگری از کالاها نرخ پایین ارزی یعنی قیمت های پایینی برای پول خارجی بر حسب پول ملی تعیین می کند . معمولاً سیستم چند نرخى ارز دو نوع نرخ ارز را در کشورها حاکم می گرداند و بنامهای نرخ رسمی ارز و دیگری نرخ آزاد ارز جریان می یابد . نرخ رسمی ارز برای بهبود وضع تراز پرداخت ها در سطح بالا تثبیت می گردد و حال آنکه نرخ آزاد ارز براساس مکانیزم آزاد عرضه و تقاضای ارز تعیین می گردد . برخی از کارشناسان مسائل ارزی عقیده دارند که سیستم چند نرخى ارز می تواند بعنوان منبع درآمدی برای دولت به حساب آید ، چراکه دولت با تعیین نرخ بالاتر ارز برای صادرات می تواند ارز بیشتری جمع آوری نماید و چنانکه عرضه ارز در نرخ پایین ارزی بیش از تقاضای ارز از سوی واردکنندگان باشد در آن صورت دولت بامازاد ارزی روبرو خواهد شد .

گفته می شود که سیستم چند نرخى ارز معاملات غیرقانونی را در زمینه ارز تشویق می نماید . مثلاً به خاطر نرخ های متفاوت ارزی برای کالاهای مختلف بسیاری از واردکنندگان و صادرکنندگان جهت رو آوردن به بازار سیاه ارزی وسوسه می شوند . همانطوریکه اشاره

رفت سیستم چند نرخى ارز موجب درآمد دولت می شود، لیکن میزان درآمد بطور دقیق باین صورت معلوم نخواهد شد، زیرا ممکن است میزان آن به کثش تقاضای ارز بستگی داشته باشد و تعیین آن هم کار آسانی نیست. زیان حاصل از اجرای این سیستم برای کشورهای در حال توسعه بیش از فایده آنست. بهمین دلیل معمولا واردات بسیاری از کالاها برای این کشورها بی کثش است. از این رو سیستم چند نرخى ارز ممکن است برای کشورهای در حال توسعه خطرناک توصیف شود. نهایت اینکه از نقطه نظر بعضی از اقتصاددانان سیستم چند نرخى ارز نمی تواند راهگشای دائمی مشکل عدم تعادل ترازپرداختها محسوب شود. زیرا اجرای سیاست کنترل ارز فقط کسرى ترازپرداختها را کاهش می دهد ولی عوامل موثر در بروز کسرى را حذف نمی کند.

خلاصه و نتایج:

در دنیای واقعی و در عمل، توسعه درآمد حاصل از افزایش صادرات احتمالا سبب می شود که قیمتها در کشوری که دارای مازاد است تا اندازه ای ترقی کند، از این رو موجب تقلیل صادرات و تشویق واردات می گردد. این مکانیسم روند تعدیل و اصلاح ترازپرداختها را تقویت می نماید. بعلاوه نرخ ارز کشوری که از مازاد برخوردار است در محدوده مجاز ترقی پیدا می کند و مضافا این که باعث تقلیل صادرات و تشویق واردات می گردد و سرانجام ورود ذخائر به داخل کشوری که مازاد دارد منجر به توسعه عرضه پول و کاهش نرخ بهره در آن می شود. این امر بنوبه خود ممکن است به افزایش سرمایه گذاری، توسعه درآمد و افزایش واردات و همچنین به توازن در جریان خروج سرمایه کوتاه مدت منتهی شود، که آن نیز سبب تقویت بیشتر تعدیل و اصلاح ترازپرداختها می گردد.

کسری تراز پرداختها موجب کاهش صادرات می گردد و این کاهش سبب می شود تا درآمد واقعی کشور پایین آید و موجب کاهش واردات کشور می شود در شرایط فعلی و در عمل، میل نهائی به پس انداز در کشورهای در حال توسعه بزرگتر از صفر می باشد. کاهش درآمد ملی واقعی کشور که کسری دارد نیز سبب تنزل قیمت ها در این کشورها در مقایسه با قیمت های خارجی کشورهای دیگر می گردد. این اتفاق باعث تشویق صادرات کشور کسری دار و کاهش واردات آن و تقویت مکانیسم درآمد است.

علاوه بر این خروج ذخائر از کشوری که با کسری روبروست عرضه پول آنرا تقلیل می دهد که ممکن است با بالا رفتن نرخ بهره کاهش سرمایه گذاری، نقصان درآمد و تقلیل واردات را سبب شود و همچنین ورود سرمایه به داخل کشور را تشویق نماید که همه این عوامل به روند تغییر و تاثیرات ارزی در تراز پرداختها کمک نماید.

آثار مساعد و نامساعد آن نیز برای کشوری که با کسری تراز پرداختها روبروست موثر واقع شود. معمولاً این نوع کشورها اجازه نمی دهند که درآمد ملی و سطح اشتغال ملی بمنظور فراهم شدن عمل مکانیسم ها پایین آید. از سوی دیگر چنانکه کشوری که دارای مازاد می باشد، قبلاً در وضعیت های مختلف قرار گرفته باشد برای آن کشورها قابل تحمل نخواهد بود. روی هم رفته عوامل مکانیسم تعدیل در تراز پرداختها مقدمات اصلاح کامل تراز پرداختها را فراهم می نماید ولی مسئله این است که کشورها به خاطر تاثیرات و تغییرات داخلی مایل نیستند اجازه دهند تا این عوامل بطور اتوماتیک عمل کند و از این رو اعمال سیاست هائی که جهت اصلاح کامل تراز پرداختها صورت می گیرد ضرورت پیدا می کند. البته فقط زمانی که بازار ارز با ثبات است تنزل و یا افزایش تضعیف یا تقویت پول رایج کشور می تواند کسری یا

مازاد ترازپرداختهای کشور را اصلاح کند. اگر بازار ارزی ثبات تلقی شود برای اصلاح کسری، تقویت ارزش پول یک ضرورت محسوب می گردد و برای اصلاح بازار مازاد، تضعیف ارزش پولی لازم بنظر می رسد. با فرض ثبات ارز، سیاستهای تغییر مسیر هزینه ها برای اصلاح عدم تعادل ترازپرداختها موثر می افتد.

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱ - اقتصاد کلان، طیبیان - محمد، وزارت برنامه و بودجه تهران ۱۳۶۵.
- ۲ - اقتصاد کلان، قسیمی - محمد رضا، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران ۱۳۶۴.
- ۳ - بانکداری علمی، بهنیا - عبدالحسین، انتشارات ابن سینا، تهران ۱۳۴۳.
- ۴ - بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران ۱۳۶۲.
- ۵ - بررسی نقش پول در اقتصاد از دیدگاههای مختلف، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران ۱۳۶۴.
- ۶ - پول، مشکوة - محمد، انتشارات دهخدا، تهران ۱۳۵۰.
- ۷ - پول و بانک، منوچهر زندی حقیقی، انتشارات آذر، تهران ۱۳۶۴.
- ۸ - سیستم بانکی موجود و مسائل مربوط به سیستم بانکی آینده، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران ۱۳۶۲.
- ۹ - اقتصاد سیاسی، رمون بار، ترجمه دکتر منوچهر فرهنگ جلد ۱ و ۲ انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول تهران ۱۳۶۷.

- ۱۰ - پول و بانک (از نظریه تا سیاست گذاری)، ماجدی - علی، گلریز - حسن مرکز آموزش بانکداری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷.
- ۱۱ - پول و تورم، قبادی - فرخ، رئیس دانا - فریبرز، انتشارات پیشبرد، تهران ۱۳۶۸.
- ۱۲ - اقتصاد پول و بانکداری جلد (۴ و ۳ و ۲ و ۱) تألیف لسترو - چندکر، ترجمه ادیب - شریف، تهران ۱۳۴۷.
- ۱۳ - تورم، کتابی - احمد، انتشارات اقبال، تهران ۱۳۶۷.
- ۱۴ - مالیه بین المللی - ترجمه و اضافات، ریاضی - سید ابوالفضل، چاپ دوم تألیف دومینیک سالواتوره، دانشگاه مازندران ۱۳۶۷.
- ۱۵ - روند، نشریه علمی - تخصصی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - سال اول شماره سوم زمستان ۱۳۶۹.

پی نویس ها:

- (1) - Special Drawing Rights
- (2) - International Trade Organization (ITO)
- (3) - General Agreement on Tariffs & Trade
- (4) - UNCTAD کنفرانس سازمان ملل برای تجارت و توسعه